

تظاهرات بهشهر: یک نقطه عطف

moaber@yahoo.com

مصطفی صابر

تظاهرات کارگران چیت سازی و شرکت وسیع تمام شهر در حمایت از آنها یک نقطه عطف در جنبش کارگری ایران و مبارزه مردم علیه جمهوری اسلامی است. یکی از سایت های اینترنتی (بیک ایران) امروز جمعه، دو روز بعد از شروع تظاهرات - شورش بهشهر، این نامه را دریافت کرده است (پرانترها از من است): "... من یک پسر ۱۸ ساله هستم از بهشهر. نه پدرم کارگر چیت سازی است و نه مادرم و نه دیگر اعضای فامیلم. اگر شما طی چند روز گذشته اینجا بودید با سه خط (خبر) کار را تمام نمی کردید. (اشاره به خبر همین سایت در روز پنجشنبه است) کار مردم آنقدر بد شده که توی خیابانهای اصلی شهر میگویند: توپ تانک فشفشه فرماندار... (یک فحش رکیک) حتی به آقای رحمانی نماینده شهر در مجلس میگویند: رحمانی بیعرضه برگرد برو تو حوزه! و به جابری اما جمعه بهشهر و نماینده ولی فقیه در استان میگویند: جابری ضد دین... (سه نقطه در اصل است). وقتی که ۵ تا اتوبوس سرباز ضد شورش از شهرهای دیگر میاورند و با گاز اشک آور و باتون به کوچک و بزرگ حمله میکنند، شما راحت سکوت میکنید. مردم بهشهر تا یکشنبه به مسئولین فرصت داده اند که پول کارگران را بدهند که اگر ندادند بهشهر به خونین شهر تبدیل خواهد شد. تذکر: کارگران ۲۵ ماه حقوق و ۵ سال عیدی نگرفته اند. در تظاهرات همه مردم شرکت داشتند."

اخبار دیگر و از جمله صحبت های فرماندار بهشهر و دبیر خانه کارگر مازندران با خبرگزاری ایلنا صحت اطلاعات نامه این پسر ۱۸ ساله را تایید میکند:

۱. این فقط یک راهپیمایی کارگری نبود، بلکه یک شورش عظیم شهری بود که هسته اصلی آن اجتماع و راهپیمایی کارگران بود. در این تظاهرات واقعا "همه مردم" (به گفته دبیر خانه کارگر مازندران در همان مصاحبه ۳۰ هزار نفر) شرکت داشتند. در گفته های فرماندار و خبر ایلنا خبر از بستن بازار، و بهم ریختن کل شهر شده است.

۲. این تظاهرات عظیم تماما علیه جمهوری اسلامی و ایادی آن بوده است. کاملاً سرنگون طلبانه! از شعارهای نامه جوان مذکور و نحوه برخورد رژیم و آوردن نیروهای ویژه و همچنین مصاحبه فوق هم کاملاً روشن است.

۳. این تظاهرات گرچه به نظر میرسد خودجوش باشد، اما با توجه به سوابق مبارزه کارگران بهشهر (مثلاً در مهر سال ۸۰ کارگران کارخانه های چیت سازی بهشهر جاده خراسان مازندران را مسدود کردند)، ثمره یک تلاش خستگی ناپذیر کارگران (و همینطور عناصر چپ و آزادیخواه) است. این تظاهرات به یمن درجه ای از تشکل بین کارگران و رادیکالیسم و عزم و اراده آنها، از درجه سازمان و رهبری برخوردار است. این تظاهرات توانسته رسماً تعدادی نماینده را بطور علنی به رژیم معرفی کند و قرار است که در مذاکرات شنبه معلوم شود که آیا رژیم در برابر خواسته های کارگران (و اکنون خواسته مردم شهر) عقب می نشیند یا نه. اینکه جوان ۱۸ ساله ما با آن اعتماد به نفس دارد به رژیم اسلامی اولتیماتوم میدهد و با لحن گزنده ای خطاب به سایت نیمه دوم خردادی مذکور حرف میزند، اتفاقی و یا از سر شور جوانی نیست. فرماندار بهشهر هم در مصاحبه با ایلنا آرزو میکند که مذاکرات فردا (شنبه ۳۰ فروردین) به همه چیز پایان بدهد.

۴. کارگران و مردم بهشهر توازن قوا را لافلاقی به نفع خود بهم زده اند. رژیم مجبور شده که حدود ۲۰ کارگر دستگیر شده را آزاد کند. و همینطور فرماندار بهشهر و دبیر خانه کارگر در مصاحبه فوق زبان کوچکی شان را بکار انداخته اند و مجیز کارگران را میگویند. ضمن اینکه میکوشند با گفتن "این تظاهرات سیاسی است" (عجب!) کارگران را بترسانند و برای آنها خط و نشان میکشند.

همه این فاکتورها به نظر من یک نقطه عطف را در مبارزه مردم ایران علیه جمهوری اسلامی و نقش مبارزه کارگری در تحولات ایران را نشان میدهد. ما سابقاً در حرکت معلمان چیزی شبیه اینرا (البته با تاثیرات به مراتب تعیین کننده سراسری) مواجه بودیم. در برخی تظاهرات کارگری (مثلاً در اهواز و در اصفهان و قائم شهر و کاشان و غیره) شاهد پیوستن مردم به کارگران بوده ایم. اما تظاهرات بهشهر دیگر یک نمونه تیبیکال از حضور عینی سوسیالیسم کارگری در عرصه حیات سیاسی جامعه در پیشاپیش توده های وسیع مردم (طبعاً در چهارچوب یک شهر) است. این تظاهرات بروشنی بر خط و جهتی که جنبش کارگری برای رسیدن به خواسته های خود باید پیش بگیرد تاکید میگذارد. امروز تحقق هر خواسته کارگران و مردم در ایران، حتی گرفتن همان مزد های بخور و نمیر، با سد جمهوری اسلامی روبرو میشود. موفقیت کارگران تنها در گرو اینست که بتوانند آنقدر نیرو به میدان بیاورند تا جمهوری اسلامی را به عقب برانند.

کارگران بهشهر باید پیروز شوند. باید هوشیارانه و با سنجیدن تمام فاکتورها کارگران رژیم اسلامی را مجبور کنند که مزدهای معوقه را پرداخت کند. باید رسماً از رژیم تعهد بگیرند که به هیچ یک از فعالین و رهبران کارگری دست درازی نشود. باید مردم را مهیا کنند که در مقابل هر تعرض بعدی رژیم به رهبران و فعالین این حرکت فعالانه عکس العمل نشان دهند. باید بکوشند تا از دل این جریان تشکل های وسیع توده ای و شبکه های وسیع حمایت مردمی در محلات و مدارس و غیره بوجود بیاورند. رهبران کارگری و رهبران این جریان باید با توده های وسیع شروع به حرف زدن بکنند و این رابطه را حفظ کنند. این حرکت به این زودی پایان نمی یابد. همچنانکه ریشه آنه به چند سال پیش میرسد و تازه کشاکش در یک سطح دیگر شروع شده است. اما کارگران بهشهر اگر تمام مردم شهر را دنبال خود بیاورند و خیلی عالی هم به خود سازمان بدهند، به تنهایی حریف جمهوری اسلامی نخواهند شد. این حرکت باید ابعاد سراسری بیابد، خبر آن وسیعاً پخش شود و وسیعاً مورد حمایت کارگران، معلمان، دانشجویان و دانش آموزان در شهرهای مازندران و گیلان و سراسر ایران قرار گیرد. تا همینجا هم کارگران و مردم بهشهر قدرت خود را اساساً از اینجا میگیرند که هم رژیم و هم مردم میدانند که هر شهر دیگر ایران یک بهشهر دیگر است. باید از کردستان تا اهواز تا تبریز و تا مشهد و کاشان، سیل نامه های حمایتی و قطعنامه ها در حمایت از خواست کارگران بهشهر به رسانه ها و مراکز رژیم و خود کارگران بهشهر سرازیر شود. باید همه ایران بدانند که چند صد کارگر یک جا جمع شدند، چند ده هزار به حمایت از آنها اعتراض کردند و چند صد هزار دیگر در سراسر ایران از آنها به حرکت درآمدند. این، تظاهرات بهشهر را به یک واقعه تاریخی تبدیل خواهد کرد و قدمی تعیین کننده در مبارزه برای رهایی از شر جمهوری اسلامی و پیشروی طبقه کارگر خواهد بود.

+++++

برچیده از: <http://www.kargaran.org>